

بوي کربلا مي آيد

توفان «محرم» در همه شهرها و روستاها مي‌وزد.



فقط آنان که هم آيين ياسند

حسين و کربلا را مي‌شناسند

توفان 171#& «محرم» در همه شهرها و روستاها مي‌وزد. درختان به احترام نام 171#& حسين(ع) خم شده‌اند. صديا طيل عزا در خيابان و کوچه‌ها مي‌دود؛ رهگذران سپاهپوش، به بيرق‌هاي در اهتزازي چشم دوخته‌اند که روي آنها نوشته شده: 171#& هيهات منا الذله»

شايد اگر با دقت گوش کني صديا آسماني محتشم را از گلوي خشکيده‌اش بشنوي که:

باز اين چه شورش است که در خلق عالم است؟

باز اين چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟

از خود مي‌پرسی که نام و ياد 171#& حسين(ع) بعد از قرن‌ها با اين مردم عاشق چه کرده است؟ يك معشوق و اين همه عاشق؟

تکيه‌ها و حسينييه‌ها پيراهن نيلي به تن کرده‌اند و هرکس را که مي‌بينی انگار درون سينه‌اش ابري عزا گرفته است و در دلش محشر کبرايي برپاست.

کم کم دسته‌هاي عزاداري شکل مي‌گیرند؛ اشک‌ها دسته دسته از راه مي‌رسند و دسته‌هاي زنجيرزني از آسمان تا حسينييه دل و از آنجا تا نفس‌هاي تنگ غروب صف مي‌کشند.

حالا حتي بوي سيب از سمت کربلا به 171#& شام» که نه! به مشام مي‌رسد.

و کربلا چيست جز سرزميني تشنه که مي‌تواند تمام دل‌هاي تشنه را سيراب کند.

و کربلا آبروي همه خاک است؛ خاكي که هر ذره آن مهر نماز عاشق‌ترين بندگان خداست.

و کربلا نخلستاني است که تا هنوز نخل‌هايش سربريده مي‌رويند و ايستاده مي‌ميرند.

و کربلا ابتدای دل‌هايي است که با عاشورا گره خورده‌اند و عاشورا روز سربلندي انسان است.

و تو خوب مي‌داني که چرا هر سال در چنين روزي خورشيد از بلنديا نيزه‌اي خونين طلوع خواهد کرد.

عبدالرحيم سعیدی‌راد / جام‌جم